

ظرفیت گسترده حقوق بشر امامیه برای حمایت از حقوق جنسی زوجه؛

مطالعه تطبیقی فقه امامیه، حقوق ایران و انگلیس

رضا زهروی *

مهسا علیزاده **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۷

DOI: 10.22096/hr.2020.105301.1108

چکیده

جرم‌انگاری برخی از روابط جنسی، بخشی از قوانین کیفری است و حتی پس از انقلاب کبیر فرانسه و گسترش آزادی‌های فردی، با آنکه بسیاری از کشورها در راستای محدود ساختن جرایم جنسی تلاش کرده‌اند، اصل جرم تجاوز در روابط زناشویی زوجین در بسیاری از کشورها، مانند انگلستان و بیشتر ایالت‌های آمریکا جرم‌انگاری شده است؛ امری که در شرع و فقه امامیه نیز مسلم و ریشه تاریخی آن چند برابر غرب است؛ اما در قوانین ایران از آن غفلت ورزیده‌اند و در حال حاضر مطابق قوانین تنها زمانی می‌توان قائل به صدق عنوان جرم تجاوز جنسی بود که علقه زوجیت یا شبهه آن نباشد.

هرچند تجاوز به حق، قطعاً متفاوت از عنوان زناست، با عنایت به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و نیز با استناد به اصل ۴ قانون اساسی، به عنوان منبع حقوق ایران، امکان جرم‌انگاری این رفتار در قالب جرم تعزیری درخور ملاحظه است؛ با تحقق ایذاء روحی یا جسمی یا هر یک از دیگر

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: rezazahravi@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Email: mahsa.alizade@ut.ac.ir



موانع عقلی و شرعی، زوجه حق دارد از تمکین استنکاف ورزد که در واقع این امر می‌تواند بسترهای جرم‌انگاری «تحمیل زناشویی زوج علیه زوجه» را با لحاظ شرایط شرعی در حقوق ایران فراهم کند. این پژوهش درصدد آن است که با بررسی امکان‌سنجی ممنوعیت‌های زناشویی در روابط زوجین، این خلأ قانون‌گذاری را تا حد زیادی تعدیل نموده و رسماً از حقوق زوجه حمایت کند.

واژگان کلیدی: حقوق جنسی زوجه؛ حقوق ایران؛ حقوق انگلستان؛ تجاوز به حق جنسی.

مقدمه

موضوع مسائل جنسی و جرایمی که در نتیجه تمایلات جنسی رخ می‌دهد، در ادوار مختلف زندگی بشر محل بحث بوده است.^۱ سابقه تاریخی این امر تا به آنجاست که حتی در دوران هخامنشی برای برخی از این جرایم، کیفر مرگ پیش‌بینی شد.^۲ در واقع انسان در طول تاریخ همواره از انحرافات و آسیب‌های اجتماعی رنج برده و در جست‌وجوی علل رهایی از آن بوده است؛ چراکه به واسطه اجتماعی بودن انسان، هر گونه خلل و مشکل در جامعه می‌تواند کلیت جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و سلامت و ساختار اجتماعی را به مخاطره بیندازد.

انحرافات جنسی در روابط زوجین، یک اختلال جنسی و در واقع گروهی متنوع از بیماری‌ها و ناهنجاری‌های روحی و روانی است که تمایلات جنسی فرد، خارج از چهارچوب طبیعی ارضا می‌شود. در واقع در روابط زناشویی، زوجین از رفتارهای جنسی مغایر با مدل‌های پذیرفته شده و ارزش‌ها و معیارهای مقبول استفاده می‌کنند. البته این تعریف که معیار و ارزش را به جای تقیید به «منطبق بودن بر ویژگی‌های کمالی انسان و آموزه‌های انسان‌شناسی» به قید «مقبول» مقید کرده است، به نظر نگارندگان محل تأمل و نقد است.

در زمینه انحرافات و خشونت‌های جنسی زوجین، به‌رغم آنکه باید از نهادها و حمایت‌های فرهنگی و آموزشی استفاده کرد، ضمانت‌اجراهای کیفری نیز می‌تواند پشتوانه و مؤید هنجارهای جامعه باشد. با وجود آنکه مسئله حفظ حرمت و کرامت انسانی در فرهنگ اسلامی، حائز اهمیت است و توصیه شده است از هر امری که موجب به‌خطر انداختن حرمت انسان می‌شود، پرهیز کرد و به حفظ حرمت انسان سفارش شده است؛ اما تاکنون قانون‌گذار عادی در جلوگیری از خشونت‌های جنسی در روابط زوجین که به‌نوعی کرامت و حرمت انسانی را خدشه‌دار می‌کند، حمایت کیفری صریحی نکرده است.

تعریف روابط جنسی زوجین با حساسیت‌هایی همراه بوده است؛ حساسیت در تعریف روابط جنسی زوجین گاه تا اندازه‌ای شدید می‌گردد که بیان می‌شود:

۱. نک: ابونیا، ۱۳۸۱: ۵.

۲. نک: صانی، ۱۳۷۱: ۵۲۳-۵۲۴. خیانت به وطن، هتک ناموس، قتل، استمراء، لواط، سوزاندن مردگان، تجاوز به حرمت کاخ شاهی، نزدیک‌شدن به کنیزان شاه یا نشستن بر تخت وی و بی‌ادبی به خاندان سلطنتی، کیفر مرگ دارد.

«هیچ کس غیر منحرّف نیست؛ بلکه هر فردی به گونه‌ای منحرّف است.» در این تعریف چون هدف از روابط جنسی، بقای نسل است، رابطه جنسی با زن یا سه یا عقیم انحراف دانسته می‌شود؛ زیرا هدف از این رابطه، فقط رهایی از تنش جنسی است. این تعریف تا به آن اندازه پیش می‌رود که نزدیکی با زن شرعی نیز پس از بارداری را هم عملی انحرافی تلقی می‌کند؛ زیرا هدف از آن صرفاً برطرف کردن نیازهای جنسی است.^۱

برخی دیگر معتقدند جرایم جنسی بیشتر یک اصطلاح حقوقی محسوب می‌شود تا یک اصطلاح فقهی؛ زیرا مقصود از جرایم جنسی معنای عامی است که ارتباطات جنسی طبیعی یا غیرطبیعی، مانند زنا، لواط، همجنس‌بازی، جریحه‌دار کردن حیای جنسی دیگران، تعرض به عفت و حیای دیگران و حتی ارتکاب عمل جنسی مشروع در حضور دیگران را دربرمی‌گیرد. ایشان معتقدند که این اصطلاح در فقه سنتی شیعه یا سنی بحث نشده است و بیشتر یک اصطلاح حقوقی است.^۲ با وجود این، به نظر می‌رسد مفهوم جرایم جنسی با عناوین مشابه دیگری همچون فواحش و... در کتب فقهی شیعه به تفصیل به بحث گذاشته شده و حتی به جرایم جنسی شخص در رابطه با خودش یا حیوانش که امروزه در اروپا جرم‌زدایی شده و بدون بزه‌دیده فرض می‌شود، در کتب فقهی با آثار کیفری و مدنی‌اش، مفصل پرداخته‌اند.

جرایم جنسی، از جمله جرایمی است که قربانیان آن، کودکان پسر، کودکان دختر، دختران و زنان بالغ‌اند. هر سه گروه در معرض تعرضات جنسی و مورد تهدید می‌باشند.^۳

قانون‌گذار ما در جرم‌انگاری جرایم جنسی، به‌رغم اینکه مواد بسیاری را به این جرایم اختصاص داده است، از جزئیات برخی از خشونت‌های جنسی غفلت به عمل آورده است و برخی از خشونت‌های جنسی را با وجود اهمیت و آسیب‌های آن، جرم‌انگاری نکرده است. یکی از خشونت‌های جنسیتی که با وجود آسیب‌های جسمی، روحی، روانی و اجتماعی بسیار که در خصوص آن غفلت شده است، جرم‌انگاری خشونت‌های جنسیتی و تجاوز علیه حق زوجه در رابطه زناشویی

۱. نک: ستوده و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۸۱.

۲. نک: نوبهار، ۱۳۷۷: ۴.

۳. البته امکان بزه‌دیدگی مردان هم وجود دارد. قانون‌گذار در ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به اکراه در زنا علیه مردان برخلاف برخی از فقها اشاره نکرده است و اگر زنی مردی را به ارتکاب زنا با خود اکراه نماید، همان مجازات زنا با توجه به محصنه‌بودن یا نبودن زانیه بر زن اعمال خواهد شد؛ بدون آنکه مجازات وی به دلیل توسل به اکراه تشدید شود.

زوجین است.

خداوند انسان را با انگیزه‌ها و تمایلات مختلف خلق کرده است که از جمله آن‌ها، تمایلات جنسی است. مهم‌ترین توصیه دین در واکنش به تمایلات جنسی، ازدواج است که البته خداوند مرزهایی هم برای این پیوند قرار داده است. زوجین پس از انعقاد عقد نکاح، به حکم شرع و قانون، وظایف متقابلی از جمله تمکین، در قبال یکدیگر دارند. در قانون ایران، عنوان تمکین به کار نرفته است و در بسیاری از آیه‌ها و روایتها حکمی بر عنوان تمکین مترتب نشده است. تمکین، مفهومی انتزاعی است که فقیهان از ادله به دست آورده‌اند.

قانون‌گذار کشور ما بدون توجه به وجود شرایط متعدد و لازم برای تمکین در شرع، روابط زناشویی را که با توسل به جبر و زور رخ می‌دهد، تاکنون صریحاً جرم‌نگاری نکرده است و وجود علقه زوجیت را جواز رابطه زناشویی ناشی از نارضایتی دانسته است. در فقه، بحث تمکین و نشوز ضمن باب مهر مطرح شده است؛ اما بابتی مستقل پیرامون مفهوم تمکین و حدود آن به چشم نمی‌خورد. در قانون مدنی ایران هم عنوان تمکین به کار نرفته است و حقوق‌دانان آن را از مفهوم برخی از مواد استنباط کرده‌اند.^۱ در فقه امامیه همان‌طور که مبسوط خواهد آمد، قاعده تمکین بی‌حد و حصر نیست و موانعی هم دارد؛ لکن قانون‌گذار درباره مفهوم و مصادیق مشروع ادای وظایف زوجیت، شرحی بیان نکرده است.

برخی نویسندگان موانع شرعی را این‌گونه تعریف می‌نمایند که مانع مشروع به آن قبیل عذرهای شرعی اطلاق می‌شود که زن با وجود آن‌ها شرعاً از وظایف زناشویی معذور است، مانند حالت حیض و نفاس، روزه واجب، انجام هر گونه عمل واجبی که وقت آن مضیق باشد یا اشخاصی که پیشک آن‌ها را از آمیزش منع کرده است.^۲ با این وصف به نظر می‌رسد موانع شرعی از حیث مفهوم و مصادیق گسترده‌تر از این تعریف‌اند که تفصیل آن خواهد آمد.

خشونت‌های جنسی که علیه شریکان نزدیک صورت می‌گیرد تجاوز به ارزش‌های اساسی مانند کرامت انسانی، آزادی تن، تمامیت جسمانی و معنوی محسوب می‌شود و بهره‌مندی از دیگر حقوق

۱. نک: ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود». ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی، «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود».

۲. نک: محقق داماد، ۱۳۹۵: ۲۹۴-۲۹۵.

قانونی را نیز تضعیف می‌کند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تمامیت جسمانی اشخاص محترم شمرده شده است.^۱ خشونت‌های جنسیتی در ازدواج نیز می‌تواند نقض تمامیت جسمانی اشخاص محسوب گردد.

پژوهشگران علم روان‌شناسی خشونت را به خشونت صمیمانه و غیرصمیمانه تقسیم کرده‌اند. نوعی از خشونت صمیمانه، به صورت آزار جنسی، جسمی و روان‌شناختی است. خشونت زناشویی از انواع اصلی خشونت‌های صمیمانه است که با وجود پیامدهایی مانند معلولیت‌های شدید، امکان مرگ، مشکلات روحی و روانی چندان بدان توجه نشده است.^۲ با وجود آنکه بسیاری از زنان قربانی خشونت‌های خانگی‌اند و سال‌ها از به رسمیت شناختن این جرم در برخی از کشورها^۳ می‌گذرد، هنوز هم بیش از نیمی از کشورهای جهان^۴ به صورت صریح، آزار و اذیت جنسی در ازدواج را جرم‌انگاری نکرده‌اند و همچنان پیچیدگی‌های روان‌شناختی و اجتماعی این نوع از خشونت در ادبیات حقوقی ناشناخته است.

در اسناد بین‌المللی نیز به مسئله خشونت‌های جنسی و تبعیض علیه زنان توجه شده است. از جمله اسناد بین‌المللی مهم در این زمینه، اعلامیه^۵ محو خشونت علیه زنان است که در قطعنامه^۶ ۴۸/۱۰۴ مجمع عمومی سازمان ملل مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳، آورده شده است.

در بند الف ماده ۲ اعلامیه، به صراحت یکی از صور خشونت علیه زنان، برقراری رابطه جنسی اجباری در زندگی زناشویی اعلام شده است. با توجه به این سند بین‌المللی می‌توان گفت که موضوع خشونت‌های جنسیتی در بستر زناشویی زوجین، امری داخلی و محدود نیست؛ بلکه امروزه در عرصه بین‌المللی نیز امری شایع است و جامعه بین‌المللی آن را تقبیح کرده است. در ماده ۴، دولت‌ها مکلف شده‌اند که خشونت علیه زنان را محکوم کنند و هیچ دستاویزی مربوط به رسم، سنت، دین و... نباید موجب خشونت شود.

۱. نک: اصل ۲۲ قانون اساسی «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در

مواردی که قانون تجویز کند.»

۲. نک: محمدخانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹۶.

۳. انگلستان، کانادا، لهستان، نروژ، استرالیا، اتریش، سوئیس، اسپانیا، فرانسه، قبرس و... .

۴. برای نمونه بنگرید به هند، اتیوپی، سودان جنوبی، افغانستان، بحرین، مصر، مالزی، ویتنام، عراق، لبنان، میانمار،

تونس، تاجیکستان و... .

ظرفیت گسترده حقوق بشر امامیه برای حمایت از ... / زهروی و عزیزاده ۸۵

ضمیمه قطعهنامه ۱۵/۱۹۹۰م ۲۴مه ۱۹۹۰ شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد نیز دایر بر شناسایی خشونت علیه زنان در خانواده و اجتماع است و اعلام می‌کند که خشونت، ربطی به میزان درآمد، طبقه و فرهنگ ندارد و باید اقدامات فوری و مؤثر برای جلوگیری از وقوع آن انجام شود.

با توجه به حساسیت‌های بین‌المللی و وجود اسنادی در این زمینه، حال این سوال مطرح می‌شود: قانون و فقه چه رویکردی در خصوص خشونت‌های جنسی در روابط زناشویی دارند؟ آیا قانون‌گذار می‌تواند جرم «تجاوز در روابط زناشویی» را به رسمیت بشناسد؟ نگارندگان درصدد بررسی این سؤالات در پژوهش حاضرند.

۱- معناشناسی تجاوز جنسی زوج به حق زوج

تعاریف گوناگونی برای جرم تجاوز جنسی در کشورهای مختلف و در برهه‌های مختلف تاریخی ارائه شده است. تجاوز در بسیاری از متون به معنی تحمیل آمیزش و مقاربت جنسی بر فرد قربانی، بدون رضایت او تعریف شده است. ارضای جنسی زن با اعمال زور و برخلاف میل او از طریق مقاربت و نفوذ آلت تناسلی مردانه، سایر اندام‌های بدن یا حتی نفوذ بک شی به قُبُل یا دُبُر یک زن، تعریف دیگری از جرم تجاوز جنسی است.

تجاوز جنسی یا به عبارت برخی دیگر از نویسندگان هتک ناموس عبارت است از: «آمیزش جنسی یک مرد با یک زن برخلاف میل و رضایت او».

امروزه تجاوز جنسی معنای وسیعی پیدا کرده است؛ به طور مثال «دیوان کیفری بین‌المللی یوگوسلاوی» داخل کردن یک تکه چوب در مهبل زنی که در حال مرگ است را نیز تجاوز جنسی تلقی کرده است. این دیوان حتی معتقد بود که دخول اجباری آلت تناسلی در دهان که یک حمله توهین‌آمیز به حیثیت ذاتی انسان است؛ تجاوز به عنف به شمار می‌رود.

مفهوم تجاوز جنسی پیوسته سیال بوده و به تبع تحول فرهنگ در هر جامعه و نگرش آن جامعه به حقوق بنیادین زنان و برابری جنسیتی قبض و بسط پیدا کرده است و بدیهی است که در جوامعی که نابرابری‌های جنسیتی شکاف بیشتری دارد، تجاوز جنسی معنایی مضیق پیدا کرده و در جامعه ای که برابری جنسیتی به منصه ظهور می‌رسد، مفهوم تجاوز جنسی، دامنه فراخی می‌یابد. با این وصف، به نظر می‌رسد نباید تساوی را معادل عدالت دانست و اساساً حقوق جنسی زوج به زوج

کاملاً متفاوت است و هزاران تفاوت روحی و جسمی زوج و زوجه، در حقوق جنسی آنها تأثیرگذار است. این تفاوت در زنان و مردان در آثار پژوهشی اندیشمندان اروپایی، درخور ملاحظه بوده و مقایسه عملی شده است و متخصصان مغز و اعصاب جهان در این خصوص اتفاق نظر دارند.

تجاوز جنسی زوج علیه حق زوجه که محل بحث ما در این پژوهش است، مترادف زنا نیست؛ بلکه اساساً با آن متباین است و هیچ زنایی، تجاوز زوج در حق زوجه نیست و هیچ تجاوز زوجی به حق زوجه نیز زنا محسوب نمی‌شود؛ زیرا زنا هر چند گاه مترادف تجاوز استعمال شده است، استعمال دلیل بر وضع نیست؛ بلکه اعم از حقیقت و مجاز می‌باشد.

با عنایت به قید «زوج» در بحث تجاوز جنسی این پژوهش، هرگز عنوان زنا محقق نخواهد شد. در پژوهش حاضر، موارد زنا توسط زوج یا زوجه با ثالث را طرح و بحث نمی‌کنیم.^۱ زنا به عنف و در حکم آن نیز به طریق اولی مشمول بحث نیست و نمی‌تواند به عنوان یکی از اقسام تجاوز زوج به حق زوجه مطرح شود. زنا به عنف که در بند «ت» و تبصره ۲ ماده ۲۲۴^۲ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است، رابطه جنسی میان «غیر زوجین» که توأم با عنف یا اکراه از سوی زانی انجام شده است، می‌باشد که اساساً با موضوع بحث ما متباین است. در این تعریف که مقید به قید «عدم زوجیت» است، در بادی امر به ذهن متبادر می‌گردد که قانون‌گذار ایران معنایی متفاوت از کشورهای اروپایی برای جرم تجاوز جنسی در نظر گرفته است. علاوه بر آن، فعل مادی در جرم زنا و همین‌طور زنا به عنف آن است که فرد با استفاده از آلت رجولیت خود به فرج زن

۱. تعریف زنا در ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تبصره ۱ آن بیان شده است: «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد. تبصره ۱- جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در قبل یا دبر زن محقق می‌شود.»

۲. ماده ۲۲۴، «حد زنا در موارد زیر اعدام است:

الف) زنا با محارم نسبی؛

ب) زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است؛

پ) زنا مرد غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است؛

ت) زنا به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجبی اعدام زانی است؛

تبصره ۱- مجازات زانیه در بندهای (ب) و (پ) حسب مورد، تابع سایر احکام مربوط به زنا است.

تبصره ۲- هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا یا او نباشد، در حال بی‌هوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا به عنف است. در زنا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.»

دخول کند؛ هرچند اقدام او منتهی به انزال منی نشود. البته دخول در مقعد زن نیز زنا است؛ اما برای تحقق زنا در حقوق ایران باید حتماً دخول صورت بگیرد و صرف تماس بدون دخول آلت تناسلی را نمی‌توان زنا دانست. از این حیث نیز، تعریف زنا و همین‌طور زنای به عنف تعریفی مضیق محسوب می‌شود.

تعریف، شرایط و ضوابط تجاوز جنسی در حقوق ایران با سایر کشورها متفاوت است؛ به‌عنوان مثال کشور انگلستان که بعد از سال‌ها فرازونشیب، قانون جرایم جنسی خود را در سال ۲۰۰۳ تصویب کرد، در ماده یک این قانون که عنصر قانونی تجاوز جنسی در نظام کیفری انگلستان است، معنای موسعی از جرم تجاوز جنسی ارائه می‌دهد. در این قانون واردکردن آلت تناسلی به دهان دیگری هم تجاوز جنسی محسوب می‌شود و داخل کردن سایر اعضای بدن یا اشیای دیگر به قُبُل یا دُبُر دیگری موجب تحقق جرم «تهاجم به‌وسیله دخول» می‌شود.

در حقوق ایران و حقوق انگلستان، به‌لحاظ مطالعه تطبیقی در جرم تجاوز جنسی، از حیث عنصر معنوی نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. عنصر معنوی جرم تجاوز جنسی در حقوق انگلستان طبق قانون ۲۰۰۳، علاوه بر عمد، بی‌پروایی و مسامحه نیز می‌باشد. در حالی که در حقوق ایران، علم و عمد و قصد، عنصر معنوی جرم تجاوز جنسی است و بی‌پروایی و مسامحه موضوعیت ندارد.^۱ در خصوص عنصر رضایت، لازم به ذکر است که در حقوق انگلستان مضیق عمل شده است و تنها رابطه جنسی بدون رضایت، جرم‌انگاری شده است و رابطه جنسی توأم با رضایت افراد، بدون ازدواج، آجرم نیست و افراد در روابط جنسی خود حتی در خارج از چهارچوب ازدواج، از آزادی عمل نسبی و نامطلوبی برخوردارند.

در حقوق انگلستان امکان تحقق جرم تجاوز جنسی توسط زوج علیه زوجه وجود دارد؛ اما در حقوق ایران این امکان وجود ندارد؛ زیرا شرط تحقق مفهوم زنا، عدم وجود علقه زوجیت بین مرد و زن است که در رابطه زوجین، این شرط مفقود است. در حقیقت در کشور ما، رضایت اولیه زن برای نکاح با مرد، سبب جواز تحقق نیافتن عنوان زنا در روابط زوجین شده است. در حالی که در حقوق انگلستان وجود علقه زوجیت، به معنای اعلام رضایت همیشگی زوجه به برقراری رابطه

۱. ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «در جرایم موجب حد مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد».

۲. در حقوق ایران، رابطه جنسی همراه با رضایت، بدون ازدواج اعم از دائم یا موقت، زنا محسوب می‌شود و جرم است.

جنسی با زوج نیست و اگر رابطه جنسی از طرف زوج با عدم رضایت زوجه، حتی بدون ایداء زوجه انجام شود، جرم تجاوز جنسی محقق می‌شود.

زوجه دارای حقوقی است که این حقوق با عقد نکاح از بین نمی‌رود؛ از جمله این حقوق می‌توان به حق کودکی، حق استراحت، حق اعتکاف، حق احرام، حق نفاس، حق حبس و... اشاره کرد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود و تجاوز به هر یک از آن‌ها ممکن است مسئولیت کیفری هم ایجاد کند.

بنابراین، اگر زوج از طریق ایجاد رابطه جنسی، به حقوق زوجه تجاوز و تعدی کند، می‌توان عمل وی را محکوم کرد و از حقوق زوجه حمایت کیفری به عمل آورد.

وجه اشتراک معنانشناسی تجاوز جنسی زوج به زوجه در دو نظام حقوقی محل بحث، عبارت است از: فعل جنسی توأم با آزار و ایداء زوجه یا به عبارتی زمانی که زوجه مقدر به برقراری رابطه جنسی با زوج خود نیست و موجب ایداء واقعی او به لحاظ جسمی یا روحی بر اساس معیارهای سنجش‌پذیر توسط پزشک قانونی می‌شود. همین وجه اشتراک، عنوان مورد مقایسه مقاله را محقق نموده است.^۱

در نتیجه، رابطه مفهومی تجاوز جنسی در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان رابطه عموم و خصوص من وجه است.

وجه اختصاصی حقوق کیفری انگلستان در حمایت از حقوق جنسی زوجه	وجه مشترک حمایت جنسی زوجه در دو نظام حقوقی	وجه اختصاصی حقوق کیفری اسلام در حمایت از حقوق جنسی زوجه
--	--	---

۱. ناگفته نماند بنا بر فقه امامیه، تجاوز زوجه به زوج نیز تحت ضوابطی منع شده است که مواردی همچون نزدیکی زوجه بالغ با زوج نابالغ به اکراه یا موانع زمانی و مکانی مشابه تجاوز جنسی زوج به حق زوجه در مورد زوج هم قابل طرح است؛ مانند اکراه زوج به نزدیکی در ماه مبارک رمضان که همه این موارد از موضوع پژوهش و عنوان «حقوق جنسی زوجه» خارج است.



۲- جرم تجاوز زناشویی در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان تا سال ۱۹۸۴ زمانی که زوجین با یکدیگر ازدواج می‌کردند، رضایت اولیه زن به دخول کفایت می‌کرد؛ لیکن در این سال در پرونده «کایتاماکي» مقرر شد که آمیزش جنسی عملی مستمر است و هر گاه زن در هر لحظه از آن (حین رابطه) نارضایتی خود را ابراز کند، ادامه رابطه از سوی مرد «تجاوز جنسی» محسوب می‌شود. در حال حاضر، این موضع در «قانون جرایم جنسی» مصوب سال ۲۰۰۳ انگلستان پذیرفته شده است.^۱ در حقوق انگلستان اعتقاد بر آن بود که شوهر را هیچ‌گاه نمی‌توان به ارتکاب تجاوز جنسی علیه همسرش محکوم کرد. این قاعده از سال ۱۷۳۶ و متعاقب یک تصمیم قضایی در حقوق انگلستان مبنی بر اینکه با تحقق ازدواج این فرض قانونی ایجاد می‌شود که زن به وسیله ازدواج با دیگری، در واقع رضایت خود را به برقراری رابطه جنسی شوهر با وی در هر شرایطی اعلام کرده است، به وجود آمد. این اعتقاد حتی زمانی که برای نخستین بار در سال ۱۹۷۶ در «قانون جرایم جنسی»، جرم تجاوز به عنف تعریف شد، گنجانده

۱. نک: میرمحمدصادقی، ۱۳۸۸: ۱۳.

(Sexual offences act 2003)causing a person to engage in sexual activity without consent.

شد و با آوردن وصف «غیرقانونی» برای آمیزش جنسی بدون رضایت، چنین فهم شد که این جرم صرفاً خارج از علقه زوجیت قابل تحقق است و تنها استثنایی که بر این قاعده وارد می‌شد، زمانی بود که به موجب دستور دادگاه یا آنچه در حکم آن بود رجوع از رضایت زن به نزدیکی آشکار شده باشد. با این حال، در خصوص عدم جرم‌انگاری تجاوز زوج به زوجه، مخالفت‌های بسیاری وجود داشت؛ اما کمیته تجدیدنظر در حقوق جزا در سال ۱۹۸۴ همچنان توصیه کرد که این قاعده حداقل باید درباره زن و شوهری که هنوز با یکدیگر زندگی می‌کنند، محفوظ بماند. به عبارت دیگر، شوهر نباید محکوم به جرم تجاوز به عنف علیه همسر خود شود. در سال ۱۹۸۸، دادگاه پژوهش در پرونده موسوم به «کوالسکی»، محکومیت شوهری را پس از متارکه با همسرش به خاطر آنکه در زمان زندگی زناشویی با وی آمیزش جنسی از طریق دهان انجام داده بود، تأیید کرد و متعاقب آن دادگاه مقرر داشت که ازدواج متضمن رضایت نسبت به عمل جنسی از طریق دهان نمی‌شود. این امر نقطه آغازی برای جرم‌انگاری اعمال جنسی به عنف علیه همسر توسط شوهر قرار گرفت. ۱۴ مارس ۱۹۹۱ دادگاه استیناف مبنای این قاعده را که زن به وسیله ازدواج، رضایت خود را به برقراری نزدیکی جنسی در طول مدت ازدواج اعلام کرده است، غیرواقع‌بینانه اعلام کرد و مقرر نمود که هیچ قاعده‌ای وجود ندارد که یک مرد نتواند مرتکب تجاوز به عنف علیه همسر خود گردد؛ بنابراین محکومیت به تجاوز توأم با عنف علیه همسر در مجلس اعیان ابرام گردید.

همین امر باعث شد که عبارت «غیرقانونی» که به قید زوجیت برمی‌گردد، بعدها از قانون ۱۹۷۶ حذف گردد و قانوناً از این سال، تجاوز به همسر نیز منجر به محکومیت زوج، حداکثر به حبس ابد گردید. حذف قید غیرقانونی بیانگر این است که اکنون در حقوق انگلستان تفاوتی در عنوان جرم بین شوهر و بیگانه که با زنی که رضایت به زناشویی ندارد، نزدیکی می‌کند، نیست و زوج و غیرزوج هر دو ملزمند که رضایت زن را تحصیل کنند؛ حتی اگر به ایداء روحی یا جسمی زن منجر نشود.^۱

۳- مصادیق مشترک حقوق انگلستان و ایران در جرم‌انگاری تجاوز جنسی زوج به حق

زوجه

تتها مصداق مشترک دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، تجاوز جنسی یک زوج مذکر^۱ علیه زوجه مؤنث در رابطه جنسی همراه با ایذاء زوجه است. این موضوع که زوج رابطه جنسی با زوجه برقرار کند و از این رابطه زوجه ایذاء روحی و جسمی ببیند و رضایتی به داشتن رابطه جنسی با زوج خود نداشته باشد، در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان محل طرح و بحث است و به نوعی نقطه اشتراک دو نظام حقوقی ایران و انگلستان در حمایت کیفری از زوجه در ازدواج محسوب می‌شود؛ با این تفاوت که در حقوق ایران این فرض نیازمند آن است که در قوانین عادی به صراحت جرم‌انگاری شود و مورد حمایت کیفری قرار گیرد.

۴- مصادیق اختصاصی حقوق انگلستان در جرم‌انگاری تجاوز جنسی زوج به حق زوجه

بر اساس نمودار و توضیح مقدماتی ارائه شده، مصادیق اختصاصی حقوق انگلستان در جرم‌انگاری تجاوز جنسی زوج به حق زوجه، در سه گفتار ارائه می‌شود.

۴-۱- تجاوز جنسی زوجین مذکر یا مؤنث

با توجه به آنکه از سال ۱۹۶۷، ازدواج هم‌جنس‌گرایان در انگلستان قانونی شده است، می‌توان گفت قانون جرایم جنسی انگلستان از خشونت‌های جنسیتی زوجین در ازدواج هم‌جنس‌گرایان نیز حمایت کرده است. به عبارتی اگر یکی از زوجین هم‌جنس‌گرا که در رابطه جنسی آن‌ها، نقش مفعول را ایفا می‌کند، تمایلی به ارتباط نداشته باشد، از وی حمایت کیفری به عمل می‌آید. این موضوع خاص حقوق انگلستان است و در حقوق ایران موضوعیت ندارد؛ زیرا از شرایط ازدواج در حقوق ایران، تفاوت جنسیتی است.^۲

۱. زیرا حتی در نظام‌های حقوقی که ازدواج هم‌جنس‌گرایان قانونی است، در رابطه جنسی زوجین، یکی از هم‌جنس‌ها

نقش زوجه را ایفا می‌کند و دیگری نقش زوج را ایفا می‌کند.

۲. در حقوق ایران نفس این عمل جرم است؛ همچنین زوجیت محقق نیست و با عنوان لواط یا مساحقه مجازات می‌شود و لذا از موضوع مقاله و گستره اختصاصی آن خارج است.

۲-۴- تجاوز جنسی همراه با مسامحه یا بی‌پروایی

در حقوق انگلستان، اگر زوج به دلیل مسامحه و بی‌پروایی، با توجه ارتباط جنسی برقرار نماید که زوجه رضایت به آن ندارد، این عمل نیز حمایت کیفری می‌شود.

مسامحه، رفتار فرد فاقد قصد ارتکاب جرم بدون پیش‌بینی تحقق زیان است و وی از این جهت سرزنش می‌شود که احتیاط انتظاررفته از انسان متعارف را رعایت نکرده است. بنابراین، به نظر می‌رسد مسامحه با بی‌پروایی متفاوت است. بی‌پروایی بر معیار ذهنی مبتنی است و پیش‌بینی بالفعل خطر از سوی متهم شرط احراز آن است؛ اما مسامحه این قید را ندارد. کافی است به‌طور عینی از رفتار انسان متعارف تخطی شده باشد. در مسامحه، وجود نوعی حالت ذهنی قابل سرزنش در مرتکب ضروری است و اثبات آن نیز بر عهده مقام تعقیب است.^۱

۳-۴- تجاوز جنسی بر محور عدم رضایت زوجه (بدون ایذاء)

تفاوت عدم رضایت با آنچه در وجه اشتراکی دو نظام حقوقی ملاحظه کردیم، این است که در ایذاء، «مقدور نبودن» تعامل جنسی مطرح است، نه صرف مطلوب نبودن. در این مصداق اختصاصی حقوق انگلستان، بحث مطلوب نبودن است؛ مانند اینکه زوجه به‌رغم مقدوربودن، تمایل دارد به‌جای کامجویی همسر از او، به مطالعه یا ورزش یا تماشای فیلم یا هر کار دیگری بپردازد. این مصداق در حقوق انگلستان حمایت شده است؛ ولی در حقوق ایران تنها در صورتی می‌توان از زوجه حمایت کرد که زوجه قادر به برقراری رابطه نباشد؛ حال می‌تواند منشأ این مقدور نبودن، شرایط زمان (به‌طور مثال ماه مبارک رمضان)، مکان (به‌طور مثال مکه مکرمه) یا شرایط جسمی (مانند بیماری خاص) باشد، نه صرف تمایل نداشتن به رابطه جنسی مگر اینکه در عقد نکاح منع نوعی از استمتاع را شرط کرده باشند. بدیهی است موضع حقوق ایران در این موارد معقول و مبتنی بر حکمت ازدواج و نیازهای انسان شناسانه و جامع است که بر شرع مقدس اسلام نیز منطبق می‌باشد.

۵- مصادیق اختصاصی حقوق ایران در لزوم جرم‌انگاری تجاوز جنسی زوج به حق زوج

برای تحقق مفهوم تجاوز جنسی زوج به حق زوج در حقوق ایران به تبع فقه، علاوه بر حالتی که رابطه جنسی خاص با زوج موجب ایذاء جسمی و روحی زوج می‌شود، شرایط و حالات خاصی وجود دارد که در صورت تحقق آن، حقوق زوج حتی با فرض رضایت یا عدم ایذاء وی نیز تضییع می‌شود. این شرایط ذیل دو بند تجاوز جنسی زوج به حق زوج بر محور موانع زمانی و تجاوز جنسی زوج به حق زوج بر محور موانع مکانی بحث می‌شود.

در حقوق ایران زوج حقوق قانونی دارد که باید از این حقوق حمایت شود و عقد نکاح نباید باعث تضییع این حقوق گردد. در این قسمت از پژوهش به حقوق قانونی که زوج دارد، اشاره می‌کنیم. اگر زوج از طریق رابطه جنسی به این حقوق تجاوز و تعدی کند، می‌توان به محکومیت کیفری زوج نیز قائل شد.

۵-۱- تجاوز جنسی زوج علیه حق زوج بر محور زمان

۵-۱-۱- تجاوز زوج علیه حق طفولیت زوج (زوج نابالغ)

یکی از موانع زناشویی در فقه، نزدیکی کردن با دختر زیر نه سال تمام قمری است. با توجه به وجود این آموزه فقهی و با ملاحظه اصل چهارم قانون اساسی، ضروری است که ازدواج با دختر زیر نه سال تمام قمری که تاکنون به عنوان جرمی مستقل جرم‌انگاری نشده است، تحت حمایت کیفری قرار گیرد.^۲ نزدیکی با زوج قبل از تمام شدن نه سال جایز نیست؛ خواه نکاحش دائمی باشد یا

۱. در فقه مفهوم تجاوز جنسی زوج به حق زوج پذیرفته شده است که می‌توان بر مبنای اصل ۱۶۷ قانون اساسی به آن استناد کرد، با این حال امروزه در اعمال اصل ۱۶۷ قانون اساسی در امور کیفری تردید است و عموماً منجر به برائت متهم می‌ود لذا بایسته است قانون گذار در این باره اقدام به وضع قانون در خور کند.

۲. در حقوق انگلستان نیز ارتباط جنسی دختر و پسر نابالغ زیر سن ۱۳ سال منع شده است؛ لکن از آن‌جا که زوجیت این دسته را قابل تحقق نمی‌دانند، از عنوان مقاله حاضر خارج و در گستره اختصاصی حقوق ایران نمی‌گنجد. سن ازدواج در کشورهای مختلف، متفاوت است؛ به‌طور مثال، به‌موجب قانون ۱۹۹۴ در انگلستان که هنوز هم معتبر است، سن ازدواج برای پسر و دختر ۱۷ سال تمام بوده است. در نظام حقوقی فرانسه، اصل بر این است که برقراری عقد ازدواج بیش از هجده سال تمام امکان‌پذیر نمی‌باشد. البته اصل مقرر در ماده ۱۴۴ قانون مدنی فرانسه، به‌موجب ماده ۱۴۵ آن قانون تخصیص خورده است؛ به این صورت که چنانچه دادستان محل برگزاری مراسم ازدواج، برگزاری مراسم ازدواج را در صورت وجود دلایل مهم به مصلحت بداند، می‌تواند طرفین را از شرط سنی (هجده سال تمام) معاف کند. در نظام حقوق فرانسه، از جمله اشخاصی که دارای صلاحیت اظهار نظر در خصوص ازدواج فرزند هستند،

منقطع. اما سایر لذتها، مانند لمس کردن با شهوت و بغل گرفتن و تفخیز او اشکالی ندارد؛ بنابراین با وجود این ممنوعیت در فقه و حرام بودن این عمل، حقوق کیفری ایران باید از ازدواج‌های صورت گرفته زیر سن بلوغ غافل نگردد و از زوجه نابالغی که با وی ارتباط جنسی برقرار شده است، حمایت کیفری به عمل آورد و آمار منتشر شده در خصوص ازدواج اطفال و نوجوانان نشانگر شیوع و به تبع اهمیت و ضرورت حمایت کیفری از حقوق جنسی زوجه نابالغ در جامعه است.^۱

در فقه امامیه، نسبت به ضمانت اجرای رعایت نکردن مصلحت صغیر در نکاح انعقاد یافته به وسیله ولی، اختلاف نظرهایی است: بطلان نکاح، عدم نفوذ آن، خیار فسخ به صورت مطلق یا در فرض رعایت نکردن مصلحت و تفکیک میان نکاح پسر صغیر و دختر صغیر. مشهور فقها قائل به عدم نفوذ می‌باشند.^۲ آثار مختلف کیفری تجاوز احتمالی زوج به حقوق جنسی زوجه نابالغ، در فقه تحت قاعده «التعزیر لکل حرام» درخور اعتناست

در فقه و حقوق ممنوعیت‌هایی درباره نکاح دختران نابالغ وجود دارد و حتی در برخی از امور جرم‌انگاری‌هایی هم صورت گرفته است؛ به طور مثال در قانون حمایت خانواده^۳ مصوب ۱۳۹۲ برای زوجی که بدون رعایت شرایط قانونی ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج کرده است، مجازات تعیین شده است. البته به مجازاتی که قانون‌گذار برای این عمل مقرر کرده است، نقد وارد است؛ زیرا به طور مثال اگر واقعه منتهی به مرض دائم شود، مجازاتش حبس تعزیری درجه ۵ است و در همان قانون جرم‌انگاری شده است که اگر فرد خارجی بدون شرایط ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی با زن ایرانی ازدواج کند، مجازاتش حبس تعزیری درجه ۵ است؛ حال آنکه کاملاً مبرهن است جرم مذکور در ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲ از اهمیت و پیامدهای بیشتری نسبت به جرم ماده ۵۱ همان قانون برخوردار است.^۴ علاوه بر آن، این مجازات برای فرضی پیش‌بینی شده است که شرایط قانونی ازدواج رعایت نشده باشد یا در فرضی که واقعه منتهی به نقص عضو یا

پدر و مادر مشترکاً، اجداد، جدات، شورای خانواده و رئیس‌جمهور می‌باشند.

۱. نک: احمدی، ۱۳۹۶: ۷۴.

۲. نک: نوری همدانی، ۱۳۸۸: ۳۱۹.

۳. ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲، «هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود...». ماده ۵۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲، «هر فرد خارجی که بدون اخذ اجازه مذکور در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و یا برخلاف سایر مقررات قانونی با زن ایرانی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شود».

۴. نک: رستمی چلکاسری و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۰۷.

مرض دائم گردد؛ اما حمایت کیفری مدنظر ما در این پژوهش، حمایت مربوط به دختران نابالغی است که زیر سن بلوغ ازدواج می‌کنند و زوج با زوجه، به‌رغم آنکه فقه این عمل را حرام دانسته، رابطه جنسی خاص برقرار می‌کند؛ خواه این عمل جنسی منتهی به نقص عضو یا مرض دائم بشود، خواه نشود.

بنابراین، با وجود این ممنوعیت در فقه و حرام بودن این عمل (رابطه جنسی خاص با زوجه نابالغ)، قانون‌گذار کیفری ایران باید از ازدواج‌های صورت‌گرفته زیر سن بلوغ غافل نگردد و از زوجه نابالغی که با وی ارتباط جنسی خاص برقرار شده است، حمایت کیفری به عمل آورد؛ زیرا با این عمل به حق طفولیت زوجه تجاوز شده است و اگر زوجه از حق طفولیت خود محروم شد، لااقل از حمایت کیفری تجاوز علیه حقوق جنسی اش محروم نماند.

۵-۱-۲- تجاوز زوج علیه حق حبس زوجه

عقد نکاح منشأ آثار فراوانی در روابط زوجین است که پرداخت مهریه از جمله آن‌هاست. زوجه می‌تواند تا مهریه به او تسلیم نشده است، از ایفای وظایف زناشویی (تمکین عام و خاص) امتناع ورزد؛ مشروط بر اینکه مهر او حال باشد.^۱

بنابراین ارتباط جنسی برخلاف رضایت زوجه حتی بدون قهر و جبر در ایامی که زوجه حق حبس دارد، تجاوز علیه حق حبس زوجه محسوب می‌شود. البته شایان ذکر است که اگر زوجه به جبر و زور یا اکراه یا در حال بی‌هوشی و مستی تسلیم زوج شود، حق حبس وی ساقط نمی‌گردد. بسیاری از زوجین پس از عقد نکاح مدتی را در منزل والدین خود زندگی می‌کنند. این ایام که در عرف به ایام عقد زوجین مصطلح است، زمانی است که زوجه به لحاظ قانونی از حق حبس برخوردار است. اگر در این ایام زوج به جبر و با توسل به زور با زوجه خود ارتباط جنسی برقرار کند، در حقیقت با وجود آنکه این عمل، حق حبس وی را از بین نمی‌برد، در اصل، زوجه را از حق قانونی که با امتناع از وظایف زناشویی داشته، محروم کرده است. زوج بابت این عمل باید مجازات شود تا بتوان از حق قانونی که قانون‌گذار برای زوجه مقرر کرده است، حمایت کیفری کرد؛ زیرا حق بدون ضمانت اجرا در عالم واقع ارزش و اهمیتی ندارد. تاکنون با آنکه قانون‌گذار

۱. ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع

کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.»

این حق قانونی را برای زوجه قائل شده است، ضمانت اجرای کیفری برای تجاوز به این حق در نظر نگرفته است. این خلأ قانونی می تواند برای زوجه بسیار مفسده انگیز باشد؛ بنابراین، باید با جرم انگاری مستقل برای زوجی که این حق زوجه را محترم نمی شمارد، تا حدی از حقوق زوجه در این ایام حمایت قانونی کرد.

۵-۱-۳- ممنوعیت زناشویی در ایام خاص زنان

یکی از اقسام ممنوعیت در زناشویی که در فقه نیز حرام دانسته شده است و اجتناب از آن توصیه گردیده، کامجویی زوجین در ایام حیض زوجه است. در تدوین قوانین اسلامی که ملهم از اندیشه های فقهی است، می توان با استناد به اسناد فقهی که در خصوص حرام دانستن جماع در ایام حیض زوجه وجود دارد، از حقوق زوجه در این ایام حمایت کرد. قرآن کریم در آیه ۲۲۲ سوره بقره می فرماید: «... به آن ها نزدیک نگردد تا پاک شوند؛ و هنگامی که پاک شدند از مسیر و طریقی که خدا به شما فرمان داده با آن ها آمیزش نمایید؛ خداوند توبه کنندگان و پاکان را دوست دارد.»^۱ در آیین یهود نسبت به معاشرت با زنانی که در حالت قاعدگی قرار دارند، سخت گیری شدیدی صورت گرفته است و مردان از معاشرت با آنان برحذر داشته شده اند؛ هرچند این معاشرت به صورت غذا خوردن و آشامیدن همراه آنان یا نشستن و خوابیدن و زندگی کردن با آن ها در یک اتاق باشد. در مقابل آن، در آیین مسیحیت هیچ گونه فرقی میان زن حائض و غیر حائض نیست؛ بلکه همه گونه معاشرت حتی آمیزش جنسی با آنان بی مانع است. در میان مشرکان عرب نیز اشکالی در معاشرت با زن در زمان قاعدگی وجود نداشته است؛ ولی عرب هایی که در شهر مدینه یا اطراف آن زندگی می کردند، کم و بیش به خلق و خوی یهود انس گرفته بودند و با زنان حائض چنان رفتار می کردند که یهودیان با این گونه زنان رفتار می نمودند؛ پس در زمان عادت ماهیانه از آن ها به طور کلی جدا می شدند.^۲ همین اختلاف در آیین و تندروی یهودیان و سهل انگاری دیگران سبب شد که برخی از مسلمانان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره سؤال کنند و در پاسخ به آنان آیه ۲۲۲ سوره بقره نازل شد. در روایتی آمده است که برخی از اعراب نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و از مشکلات به وجود آمده در اثر دوری از زنان در حالت قاعدگی به روشی

۱. «و یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أذى فَأَعْتَرَلُوا النَّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَ لَئِذَا تَقَرَّبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»

۲. نک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰۸.

که در آیین یهود بود، شکایت کردند. حضرت در جواب آن‌ها فرمودند: «من به شما دستور دادم که از آمیزش جنسی و نزدیکی با زنان در ایام حیض خودداری نمایید، و به شما دستور ندادم که زنان را از پیش خود برانید.» (نوری، ۱۳۶۸: ۳۹)

اسلام در خصوص تماس با زنان حائض راه میانه را پیموده است و از تدروی یهود که هیچ‌گونه معاشرتی را جایز نمی‌شمردند و سهل‌انگاری دیگران که هیچ محدودیتی برای تماس با زنان حائض قائل نبودند، جلوگیری کرده و گفته است که هر گونه معاشرت و نشست و برخاست با زنان در این حالت، غیر از مجامعت و آمیزش جنسی که زیان‌های بهداشتی فراوانی دارد، مانعی ندارد؛ از جمله این زیان‌ها عبارت است از: احتمال عقیم‌شدن مرد و زن، زمینه‌سازی برای پرورش میکروب و بیماری‌های عفونی چون سفلیس و سوزاک، التهاب اعضای تناسلی زن، واردشدن مواد حیض داخل بدن در عضو تناسلی مرد، سرطان‌های دهانه رحم، کاهش میل جنسی زنان در این ایام، بی‌حوصلگی و زودرنجی که طب امروز نیز آن‌ها را اثبات کرده است. حتی در برخی دیگر از روایات آمده است اگر در اثر هم‌بسترشدن با زن حائض فرزند مبتلا به بیماری جذام یا برص (پیسی) به دنیا آمد، کسی جز خود را سرزنش نکند. این روایت اهمیت و جدیت این ممنوعیت را مشخص می‌کند.

به‌رغم این موارد اسلام تلاش کرده است تا احترام و شخصیت زن در این دوران آسیبی نبیند؛ برای درک اهمیت این موضوع باید گفت که در سخنی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «یک روز قاعدگی و حیض برای شما زنان از عبادت یک سال که روزهایش را روزه‌دار و شب‌هایش را شب‌زنده‌دار باشید بهتر است.» و در حدیث دیگری از ایشان وارد شده است: «زنی که در حال قاعدگی بمیرد شهید از دنیا رفته است.» (نجف‌آبادی، ۱۴۲۷: ۲۰)

قرآن کریم، آمیزش و جماع در قُبُل زن حائض را هم برای خود زن و هم برای مرد حرام دانسته است. برخی روایات در زمینه مجازات این اعمال وجود دارد.^۱ با وجود این، بر اساس آموزه‌های

۱. در برخی از روایات آمده است مجازات مردی که با همسر خود در حال حیض جماع کند، ربع حد فرد زناکار، یعنی بیست و پنج تازیانه است. برخی از روایات فقهی در خصوص کیفر نزدیکی با زن حائض را در این قسمت بررسی می‌کنیم: اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت مساوی تقسیم شود، و مرد در یکی از اوقات قسمت اول آن با زن خود نزدیکی کند، مستحب است هجده نخود طلا به فقیر کفاره بپردازد و اگر در یکی از اوقات قسمت دوم جماع کند، نه نخود و اگر در یکی از اوقات قسمت سوم جماع کند، چهارونیم نخود بدهد؛ البته دادن کفاره گفته شده مطابق با احتیاط است ولی واجب نیست و احتیاط آن است که کفاره را طلای سکه‌دار بپردازد و اگر ممکن نباشد، قیمت آن را هم

فقهی، یکی از ممنوعیت‌های زمانی زناشویی، ایام حیض زوجه است که با پشتوانه فقهی و تاریخی این حرمت، قانون‌گذار می‌تواند حمایت کیفری از حقوق زوجه در این ایام را پیش‌بینی کند.

۵-۴- تجاوز جنسی علیه حق استراحت یا بهبودی زایمان زوجه

زمانی که نخستین جزء بچه از شکم مادر بیرون می‌آید، هر خونی که زن می‌بیند خون «نفاس» است و زن را در این حال «نفساء» می‌گویند.^۱ خون نفاس در حقیقت باقی‌مانده خون حیض است و معمولاً دارای صفات آن می‌باشد؛ ولی بودن صفات خون حیض در آن شرط نیست. خون نفاس باید شرایط زیر را داشته باشد، وگرنه احکام نفاس را نخواهد داشت:

الف) خون ناشی از زایمان باشد، بنابراین خونی که زن قبل از خارج شدن طفل می‌بیند، نفاس نیست؛

ب) خون نفاس ممکن است یک لحظه بیشتر نباشد، ولی بیشتر از ده روز نیست؛

ج) احتیاط واجب آن است که خلقت بچه تمام باشد.

تمام کارهایی که بر حائض حرام است، بر «نفساء» نیز حرام می‌باشد و آنچه بر حائض واجب یا مستحب یا مکروه است، برای او نیز همین حکم را دارد؛ بنابراین احکام ایام حیض و نفاس برای زنان مشترک است.

نزدیکی کردن با زن در حال «نفاس» حرام است و اگر شوهر با او نزدیکی کند، احتیاط مستحب آن است که مطابق دستوری که در مورد «حائض» گفته شده است، کفاره دهد. طلاق او نیز در این حال باطل است.

در برخی از روایات به مجازات زوج که با زوجه خود در این ایام رابطه خاص برقرار می‌کند، اشاره شده است؛ به‌عنوان مثال مردی که زن دائم یا متعه یا کنیز خود را در حیض یا نفاس از پیش جماع

می‌تواند بپردازد و اگر قیمت طلا در وقتی که جماع کرده با وقتی که می‌خواهد به فقیر بدهد فرق کرده باشد، باید قیمت وقتی را که می‌خواهد به فقیر بپردازد، حساب کند. اگر کسی هم در قسمت اول و هم در قسمت دوم و هم در قسمت سوم زمان حیض، با زن خود جماع کند، مستحب است هر سه کفاره را که روی هم سی‌ویکمین نخود طلا می‌شود، بدهد. کسی که در ایام قاعدگی زن با او نزدیکی کرده و نمی‌تواند کفاره بدهد، استغفار نماید و بهتر آن است که صدقه‌ای هم به فقیر بدهد (نک: نجف‌آبادی، ۱۴۲۷: ۲۶۹).

۱. نک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۶۷.

کند، او را بیست و پنج تازیانه می‌زنند؛ ربع حد زناکار.^۱

بنابراین می‌توان گفت اسلام برای زوجه پس از به دنیا آوردن فرزند، ایامی را تحت عنوان ایام بهبودی و استراحت در نظر گرفته است که این حقوق باید در هر شرایطی محترم شمرده شود و به آن تجاوز و تعدی نشود و در صورتی که زوج به این حق قانونی زوج تجاوز کند، می‌توان برای وی مجازاتی در نظر گرفت.

۵-۱-۵- تجاوز جنسی علیه حق روزه‌داری زوجه

یکی دیگر از انواع ممنوعیت‌ها، زناشویی در ایام روزه واجب است. قرآن کریم کامجویی زوجین به معنی خاص را در روزهای ماه رمضان حرام دانسته است. در فقه گفته شده است و طی در روز ماه رمضان حرام است اما زنا نیست و مستوجب تعزیر می‌باشد. کسی که در روز ماه مبارک رمضان با زن خود جماع کند، اگر زن نیز راضی باشد، هر یک را قضا و کفاره‌ای واجب است و حاکم شرع هر یک را بیست و پنج تازیانه می‌زند و اگر زوج زن را جبر کرده باشد، مشهور آن است که کفاره زن را مرد می‌دهد و تازیانه زن را نیز بر مرد می‌زنند؛ یعنی او را پنجاه تازیانه می‌زنند.^۲ مستند قرآنی این امر سوره بقره است. خداوند در آیه ۱۸۷ سوره بقره می‌فرماید: «در شب روزه‌داری نزدیکی با همسرانتان حلال شد. ایشان پوشش شما و شما پوششی هستید برای آنان. خدا دانست که شما همواره با انجام این عمل نافرمانی و در نتیجه به خود خیانت می‌کردید؛ پس از جرمتان گذشت و این حکم را از شما برداشت. حالا دیگر می‌توانید با ایشان درآمیزید و از خدا آنچه از فرزند که برایتان مقدر کرده، طلب کنید و از آب و غذا در شب همچنان استفاده کنید تا سفیدی شفق از سیاهی شب برایتان مشخص شود و آنگاه روزه بدارید و روزه را تا شب به کمال برسانید و نیز هنگامی که در مسجدها اعتکاف می‌کنید با زنان نیامی‌زید. این‌ها که گفته شد حدود خداست زنه‌ار که نزدیک آن مشوید. این چنین خدا آیات خود را برای مردم بیان می‌کند تا شاید با تقوا شوند.»^۳ در آغاز اسلام، آمیزش با همسران در شب و روز ماه رمضان مطلقاً ممنوع بوده است و

۱. نک: اصفهانی (مجلسی دوم)، ۱۳۷۹: ۶۹.

۲. نک: اصفهانی (مجلسی دوم)، ۱۳۷۹: ۶۰.

۳. «احل لكم ليلة الصيام الرفث الى نسائكم هن لباس لكم و انتم لباس لهن علم الله انكم كنتم تختانون انفسكم فتاب عليكم و عفى عنكم فالان با شروهن و ابتغوا ما كتب الله لكم و كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الابيض من الخيط الاسود من الفجر ثم اتموا الصيام الى الليل و لا تباشروهن و انتم عاكفون في المسجد تلك حدود الله فلا تقربوها

همچنین در ساعات معینی از شب می‌توانستند افطار کنند و اگر خوابشان می‌گرفت، بعد از بیداری حق غذا خوردن نداشتند. برخی از مسلمانان به‌رغم ممنوع‌بودن آمیزش جنسی، این کار را می‌کردند. سپس این آیه نازل گردید که غذا خوردن تا طلوع فجر آزاد است و آمیزش با همسران در شب‌های ماه رمضان مانعی ندارد؛ بنابراین چنین مقرر شد که نزدیکی جنسی به مفهوم اخص در شب‌های ماه رمضان جایز و مشروع است. با توجه به این منع که ریشه در فقه اسلامی دارد، رابطه جنسی در ایام حیض زوجه، تجاوز به حق استراحت، سلامت و حقوق قانونی و شرعی وی است و این ایام می‌تواند مورد حمایت کیفری قانون‌گذار قرار گیرد.

۵-۱-۶- تجاوز جنسی به حق اعتکاف^۱ زوجه

چنانکه می‌دانیم هر آنچه روزه را باطل می‌کند، اعتکاف را نیز باطل می‌کند؛ زیرا شرط صحت اعتکاف، همان شرایط صحت روزه است. بنابراین باطل‌شدن روزه سبب باطل‌شدن اعتکاف نیز می‌شود. بنابراین چه‌بسا در وهله اول به نظر برسد این عنوان در عنوان قبل ادغام‌پذیر است؛ زیرا با توجه به اینکه جماع اعتکاف را نیز باطل می‌کند، با توجه به گستردگی زمان اعتکاف به شب، این حق متفاوت از حق روزه‌داری زوجه که مختص روز است، می‌باشد و همچنین است لمس کردن و بوسیدن از روی شهوت. جماع کردن اگرچه از روی سهو باشد، اعتکاف را باطل می‌کند. اگر زوجین اعتکاف واجب را به واسطه جماع باطل کنند، هرچند در شب باشد، باید کفاره بدهند. در مورد اعتکاف مستحب نیز بنا بر احتیاط واجب، اگر بدون دست‌برداشتن از اعتکاف جماع کنند، کفاره واجب است و اما اگر با دست‌برداشتن از اعتکاف جماع کنند، بنا بر اقوا کفاره ندارد؛ اگرچه در این فرض، دادن کفاره احتیاط (مستحب) است.^۲

بنابراین زوجه از حق شرعی (حق اعتکاف و عبادت) برخوردار است و اگر زوج او را از این حق خود محروم کند، می‌توانیم قائل به آن باشیم که زوج علیه حق زوجه تجاوز کرده است. با توجه به وجود ممنوعیت کامجویی زوجین در ایام اعتکاف واجب و مستحب بنا بر شرایط آن، در اسلام،

کذلک یبین الله آیاته للناس لعلهم یتقون»

۱. اعتکاف عبارت است از ماندن در مسجد و درنگ در آن به قصد اینکه با آن بندگی خدا نماید و لازم نیست نیت عبادت دیگری غیر از ماندن در مسجد به آن ضمیمه شود، اگرچه احتیاط مستحب است و اعتکاف ذاتاً و در اصل شرع اسلام مستحب است و گاهی انجام آن به خاطر نذر یا عهد یا قسم یا اجاره و مانند آن واجب می‌شود.

۲. نک: خمینی، ۱۳۸۵: ۵۶۷-۵۲۵.

ظرفیت گسترده حقوق بشر امامیه برای حمایت از ... / زهروی و علیزاده ۱۰۱

زمینه و بستر حمایت از حق عبادت زوجه در روابط زناشویی وجود دارد.

۵-۱-۷- تجاوز جنسی به حق احرام زوجه

یکی دیگر از ایام و شرایطی که می‌توان از حقوق زوجه حمایت به عمل آورد و حقوق او را محترم شمرد، دوران احرام است. در زمان احرام، زوجین از رابطه خاص به حکم خداوند منع شده‌اند و کامجویی خاص آنان، زوجین را از حالت احرام خارج می‌کند؛ بنابراین در این قسمت به شرح شرایط و چگونگی این ممنوعیت می‌پردازیم. طبق نظر مشهور فقها، ۲۴ عمل بر محرم حرام است که یکی از آنها «نکاح» و «نزدیکی جنسی» است. این ممنوعیت بر اساس نظر مشهور فقهاست و مستند آن علاوه بر اجماع، روایات متعددی است که از ائمه معصومین علیهم السلام به دست ما رسیده است.^۱ حق عبادت که احرام نیز یکی از صور خاص آن محسوب می‌شود، برای زوجه وجود دارد. با توجه به آنکه نزدیکی جنسی در ایام احرام، فرد را از محرم بودن خارج می‌کند و دیگر نمی‌تواند سلسله اعمال زیارت خانه خدا را انجام دهد؛ بنابراین باید این حق زوجه محترم شمرده شود و وی را از این حق شرعی و قانونی محروم نکرد و عقد نکاح نیز نمی‌تواند زوجه را از حقوق قانونی و شرعی خود محروم کند؛ بنابراین، می‌توان از حقوق زوجه در ایام احرام حمایت قانونی به عمل آورد.

۵-۱-۸- تجاوز به حق جنسی زوجه (ممنوعیت بر اساس ترک زناشویی توسط زوج بدون

عذر موجه)

تجاوز به حق جنسی زوجه را می‌توان به صورت ترک فعل‌هایی علیه زوجه دانست که در دو حالت ممکن است تصور شود:

(۱) ترک فعل‌هایی علیه زوجه به‌رغم نیاز جنسی زوجه؛

(۲) ترک فعل‌هایی علیه نیاز جنسی زوجه بیش از چهارماه.

زوجین نسبت به یکدیگر حقوقی دارند که رعایت آن‌ها برای داشتن روابط بهتر و زندگی مستحکم ضروری است. دسته‌ای از آن، حقوق جنسی زوجین است که به سهم خود نقش بسزایی در تداوم زندگی زناشویی دارد. در دین مبین اسلام، به این حقوق توجه شده و حق جنسی هیچ‌یک از زوجین

۱. نک: خمینی، ۱۳۸۵: ۲ / مسئله ۱۶.

را نادیده نگرفته است.

امکان تحقق تجاوز به حق زوجه با ترک فعل نیز قابل تحقق است. ترک زناشویی توسط زوج بیش از ۴ ماه بدون عذر موجه، تجاوز به حق تمتع جنسی زوجه است. البته در مواردی که زن نیاز جنسی بیشتری داشته باشد، می‌توان با توسل به قاعده نفی حرج احتیاطاً شوهر را ملزم به نزدیکی و ارضا یا حتی طلاق کرد تا زن دچار عسر و حرج نگردد؛ بنابراین این مورد را هم می‌توان به ممنوعیت‌های مبتنی بر زمان افزود و در صورتی که زوج، مدت نامعقول یا بیشتر از ۴ ماه از ارتباط جنسی خاص پرهیز کند، حق ارضای نیاز جنسی زوجه به نوعی لطمه می‌خورد.

۲-۵-۲- تجاوز جنسی زوج علیه حق زوجه بر محور مکان

۲-۵-۱- در مکان‌هایی که در قالب حق شرط، شرط شده است

شروط ضمن عقد، شروطی است که در عقد ازدواج با توافق زوجین وارد مفاد قرارداد می‌شود و با امضای هر دو طرف رسمیت می‌یابد. این شروط در قانون ذکر نشده‌اند و طرفین آن‌ها را، چه در زمان قبل از عقد نکاح و چه بعد از آن، انتخاب می‌کنند. زوجه می‌تواند مکان‌های معین و مشخصی را جهت ممنوعیت ارتباط و کامجویی زوج بر وی شرط کند که اگر این شروط به توافق طرفین رسید، باید در صورت نقض، واجد جنبه کیفری نیز باشد تا از حقوق زوجه در ازدواج حمایت به عمل آورده شود.

۲-۵-۲- در مکانی که دیگران شاهد هستند

در کتب فقهی بیان شده است که یکی از مکروهات نکاح، عمل زناشویی در محلی است که دیگری ناظر آن است؛ البته اگر این عمل در شرایطی صورت گیرد که اندام‌های خاص قابل مشاهده نباشد، حرام است.^۱ همچنین در روایات بسیاری بر مخفی نگاه داشتن این عمل از اطفال توصیه شده است. با توجه به این ممنوعیت و حرام بودن زناشویی در مرئی و منظر دیگران، زوجه می‌تواند از این حق که به نوعی حافظ کرامت و حرمت وی است، صیانت کند و در صورتی که زوج درصدد

۱. «...الجماع عند ناظر الیه بحیث لا یری العوره، قال النبی صلی الله علیه و آله: "و الذی نفسی بیده لو ان رجلاً غشی امراته و فی البیت مسیقظ براهما و یستمع کلامهما و نفضهما ما افلح ابدان ککان غلاما کان زانیا، و ان کانت جاریه کانت زانیه" و عن الصادق (علیه السلام) قال لا یجامع الرجل امراته، و لا جاریته و فی البیت صبی، فان ذلک مما یورث الزنا.» (شیروانی، علی، روضه البهیه فی شرح المعه، کتاب النکاح، المقدمات)

ظرفیت گسترده حقوق بشر امامیه برای حمایت از ... / زهروی و علیزاده ۱۰۳

تعدی به این حق زوجه برآید، زوجه بتواند با توسل به قانون کیفری و اصل ۱۶۷ قانون اساسی حافظ حقوق خود باشد.

نتیجه‌گیری

هرچند حمایت حقوقی از حقوق جنسی زوجه در نظام حقوقی ایران به تبع فقه امامیه ظرفیت‌های گسترده‌ای دارد و حتی در مقایسه با حقوق انگلستان از گستردگی و ظرافت بیشتری برخوردار است، در حال حاضر قوانین عادی ضمانت‌اجرای لازم برای حمایت از این حقوق را کمتر مقرر کرده‌اند و لذا صرفاً از طریق اصل ۱۶۷ قانون اساسی قابل اعمال است؛ به طور کلی سه گونه جرم‌انگاری تجاوز جنسی زوج به حق زوجه در حقوق ایران به تبع ظرفیت فقهی امکان‌پذیر است: الف) مواردی که زوج، موجبات نارضایتی زوجه را به دلیل ایذاء روحی یا جسمی او یا شرط ضمن عقد وی فراهم می‌سازد و این ایذاء از سوی عقل و عرف پذیرفته شده باشد.

ب) تجاوزهایی که خواه با رضایت زوجه و خواه بدون رضایت وی به واسطه قواعد آمره مانع زناشویی در ایام یا اماکن یا شرایط خاص سنی یا غیرسنی وی صورت می‌گیرد؛

ج) موارد ترک زناشویی بدون عذر موجه و در مدت‌های معین.

هرچند در دسته نخست اشتراکات مفهومی و مصداقی درخصوص «نارضایتی زوجه از استمتاع جنسی زوج» بین حقوق ایران و انگلستان وجود دارد، در همان دسته نیز تفاوت‌هایی نیز ملاحظه می‌شود؛

تفاوت اول اینکه نارضایتی زوجه برای زناشویی به هر میزان که باشد، در حقوق انگلستان موجب تحقق عنوان تجاوز جنسی به حق زوجه است؛ در حالی که در حقوق ایران به تبع فقه این نارضایتی باید به حدی باشد که عنوان ایذاء روحی یا جسمی عرفاً صدق کند و صرف عدم رضایت تا به حد ایذاء نرسیده باشد، موجب تحقق عنوان تجاوز نخواهد بود و این حکم معلل به عقد نکاحی است که یکی از مقتضیات ضمنی و مورد توافق و چه بسا مستند به قاعده آمره مبنی بر سقوط حق حبس پس از تمکین نخست یا پس از دریافت مهریه و منطبق بر عقل و شرع است؛

تفاوت دوم در میزان مجازات تجاوز است که در حقوق ایران به تبع فقه باید سیاست افتراقی بین تجاوز جنسی زوج به حق زوجه و سایر تجاوزات قائل شد؛ زیرا این تجاوز با تجاوز بیگانه که هیچ علقه‌ای ندارد، متفاوت است و موضوع متفاوت مقتضی حکم متفاوت است. از آنجا که سیاست

۱۰۴ حقوق بشر/ سال ۱۵/ شماره ۱/ پیاپی ۲۹/ صص ۷۹-۱۰۶

افتراقی بهتر از تساوی، عدالت را محقق می‌سازد و هرگز عدالت مترادف تساوی نیست، درحالی‌که متأسفانه در قوانین انگلستان و فرانسه هیچ سیاست افتراقی بین زوج و بیگانه در تجاوز جنسی به حق زوجه قائل نشده‌اند.

به‌علاوه اینکه دو قلمرو اختصاصی به تفصیلی که ارائه شد، شامل افعال ممنوعه زوج از حیث زمانی و افعال ممنوعه زوج از حیث مکانی، بیانگر ظرفیت گسترده‌تر حقوق کیفری اسلام حقیقی، یعنی فقه امامیه است که در حمایت از حقوق جنسی زوجه کامل و جامع رفتار کرده است.

کتابنامه

- ابونیا، فرحناز (۱۳۸۱)، بررسی تاریخی جرایم جنسی از دوران باستان تاکنون، تهران: انتشارات مهرگان.
- اصفهانی (مجلسی دوم)، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۷۹)، رساله حدود و قصاص و دیات، تهران: مؤسسه نشر آثار اسلامی.
- آشوری، محمد (۱۳۸۵)، آیین دادرسی کیفری، چاپ ششم، تهران: نشر سمت.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۵)، تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- رستمی چلکاسری، عبدالله؛ قاسمپور، امین؛ خوافی، سعید (۱۳۹۵)، «بررسی تعارض قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت خانواده در فضای زوج»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۴۶، صص ۳۰۵-۳۲۹.
- ستوده، هدایت‌الله؛ میرزایی، بهشته؛ پازند، افسانه (۱۳۷۸)، روان‌شناسی جنایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات آوای نور.
- شاهچراغ، حمید (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی مسئولیت مطلق کیفری در حقوق ایران با نگرشی بر نظام حقوقی کامن‌لا»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۸، صص ۷۷-۱۱۴.
- شیروانی، علی (۱۳۸۵)، ترجمه و تبیین شرح المعه، حدود- قصاص- دیات، قم: نشر دارالعلم.
- صالحی، محمدرضا (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی جرم زنا به عنف در حقوق انگلستان و آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۱)، جزای عمومی، چاپ ششم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- قانون اساسی
- قانون جرایم جنسی ۲۰۰۳ انگلستان
- قانون حمایت خانواده مصوب (۱۳۹۲)
- قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۲)

- قانون مدنی
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۵)، بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن، چاپ هفتم، قم: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدخانی، پروانه؛ آزاد مهر، هدیه؛ متقی، شکوفه (۱۳۸۹)، «رابطه خشونت جنسی و نگرش‌های زناشویی و همراهی انواع خشونت در روابط زناشویی»، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، دوره شانزدهم، شماره ۳، صص ۱۹۵-۲۰۲.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸)، احکام بانوان، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۸)، «مطالعه تطبیقی مفهوم عنف در جرایم جنسی»، ماهنامه دادرسی، سال سیزدهم، شماره ۷۶، صص ۱۲-۱۴.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۴)، جرایم علیه اشخاص، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان.
- نجف‌آبادی، حسین (۱۴۲۷)، معارف و احکام بانوان، قم: انتشارات مبارک.
- نوبهار، رحیم (۱۳۷۹)، «اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی مستوجب حد در حقوق کیفری اسلام»، مجله نامه مفید، دوره ۶، شماره ۲۳ پیاپی، صص ۱۳۳-۱۶۲.
- نوری همدانی، حسین (۱۳۸۸)، هزار و یک مسئله فقهی: مجموعه استفتائات، چاپ پنجم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نوری، میرزا حسن (۱۳۶۸)، مستدرک الوسائل، قم: نشر آل بیت.